

اجابت دعا

برداشتن مانع و پیمودن فاصله خود تا خدا (۱)

خداوند در قرآن به صفت "قريبٌ مجيبٌ" یعنی بسیار نزديك و اجابت کننده دعا و درخواست بندگان ستوده شده است و "مجبیب" از نام های نیکوی او (اسماء الحسنی) به شمار می‌رود. خداوند به مؤمنین به صراحت وعده داده است اگر او را دعا کنند، اجابتشان خواهد کرد^(۱)، اما همگی تجربه کرده‌ایم که بسیاری از دعاهای ما برای شفای بیماران، ادای حاجت نیازمندان و مشابه آن اجابت نشده است! در حالی که وعده‌های پروردگار صادق است و او خُلف وعده نمی‌کند.

اشکال و ایراد از کجا ناشی می‌شود؟... آیا معنای دعا و شرایط و لوازم آن را نشناخته‌ایم، یا معنای اجابت را درست دریافت نکرده‌ایم، یا این که انتظار داریم آفریدگار میلیون‌ها کهکشان، نعوذ بالله، دست به سینه مقابل و منتظر سفارشات ریز و درشت ما ایستاده و تقاضاهای زبانی بعضاً متضاد و مادی ما را برآورده سازد!؟

از این نظر شایسته است واژه "اجابت" را در متن قرآن مورد بررسی قرار دهیم و معنای ریشه‌ای آن را، در مواردی که مورد استفاده قرار گرفته، استخراج نماییم. زبان شناسی و ریشه یابی واژه‌ها در متن کتاب و درک مفهوم اصیل آنها در روزگار نزول قرآن کمک مؤثری است برای شناخت بهتر معنا و مقصود کلمات.

مقدم برآن، لازم است نگاهی هم به فرهنگ لغت عربی "المُنجد" بکنیم تا بیرون از قرآن نیز با گستره معنایی این واژه بهتر آشنا شویم، ذیلاً معانی متنوع و همسوئی را که این کتاب از واژه "اجابت" (از ریشه جَوَّبَ) ارائه داده ملاحظه می‌نمائید:

۱- در زبان عربی به مسافر "جائب" و به جهانگرد و سیاح "جَوَّابُ الافاق" می‌گویند. پس جائب (از ریشه اجابت) کسی است که برای رسیدن به مقصد خود، مسافت موجود را با حرکت در مسیر، از میان بر می‌دارد و به هدف خود می‌رسد. این تنها يك مثال است، همواره میان ما و اهداف و مقاصد مانع و مشکلاتی موجود است که باید برای نیل به مقصود، آنها را از پیش پا برداریم.

۲- پیمودن راه در سفرهای متعارف با وسائط نقلیه امروزی چندان کار مشکلی نیست، اما گاهی راه هموار نیست، و صخره و کوه مانع می‌شود. در این صورت چاره‌ای جز نقب و تونل زدن یا عملیات سخت جاده سازی به کمک دینامیت و ماشین آلات سنگین راه سازی نیست. در هر حال باید مانع را از مقابل برداشت تا به هدف مطلوب رسید. قوم "ثمود"، که داستان آن در سوره‌های متعددی از قرآن آمده است، هنرمعماریشان همین حفاری و تراشیدن سنگ‌های سخت برای خانه‌سازی در دل کوه‌ها بوده است. کلمه‌ای که قرآن برای هنر آنان به کار برده، دقیقاً مشتق شده از مصدر "اجابت" است:

و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد (وقوم ثمود که صخره‌ها را در شهرها می‌بریدند) سوره فجر آیه ۹
از ۴۳ باری که مشتقات واژه اجابت در قرآن به کار رفته است، این تنها موردی است که اجابت در مفهوم مادی اصلی و ریشه‌ای خود مصرف شده است! گویا نازل کننده قرآن قصد داشته است از این طریق به ما بفهماند همچنان که برای رسیدن به مقصد لازم است حتی صخره‌های سخت را از پیش پا برداشت، در اجابت دعا نیز باید موانع سخت میان خود و محبوب را، حتی اگر دل‌های سنگ شده باشد، نرم و نازک کرد!

۳- هر دو مثال فوق در ارتباط با انسان و برداشتن موانع راه برای رسیدن به مقصد مطرح شده است، گیاهان و حیوانات نیز برای رسیدن به هدف خود ناگزیر از برداشتن مانع و پیمودن راه به سوی مقصد هستند. از جمله دانه‌ای که در دل تنگ و تیره خاک محبوس شده ناچار است راه به سوی خورشید و فضا و هوای باز و تازه را با جوانه‌ای که از لابلای خاک عبور می‌دهد، طی کند تا نهالی بالنده و بارور گردد و در نگاه به خورشید استعداد بالقوه‌اش به فعلیت در زبان عربی روئیدن گیاه و سبز شدن زمین را "اجاب الارض" می‌گویند که از همین واژه است.

۴- ابر نیز مانعی برای تابش نور خورشید به زمین است که با کنار رفتن پاره‌های متراکم آن و باز شدن آسمان، میل به روشنایی و دیدار خورشید "اجابت" می‌گردد.

۵- عرب به خبری که از راه دور می‌رسد، "جائبه" (از ریشه اجابت) می‌گویند. زیرا خبر نیز برای انتشار خود نیازمند مَرکَب و طی طریق است. در گذشته دور این انتقال با پای پیاده یا اسب انجام می‌شد و امروز به کمک امواج رادیویی و تلویزیونی و ماهواره‌ها این انتقال بسیار سریع‌تر انجام می‌شود، در هر دو حال مفهوم برداشتن مانع و رسیدن به مقصود تغییر نکرده است.

۶- کلمه "جواب" نیز به گونه‌ای رساندن پاسخ از طریق ارسال امواج صوتی از ناحیه حنجره است که فضا را شکافته و به گوش پرسشگر می‌رساند.

نتیجه گیری

کلیه مثال‌های فوق بر یک محور مشترک، که همان برداشتن حجاب و مانع میان خود و هدف مطلوب و پیمودن مسیر است، دلالت می‌کند. اجابت دعا در معنای دینی آن نیز، چیزی جز برداشتن حجاب و مانع میان خود و محبوب نیست. خدا که از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است، در واقع این ما هستیم که باید مانع را برداریم، نقش خدا همچون معشوقی که با جلوه‌گری و دلربائی، عاشق را به سوی خود جلب و جذب می‌کند، ایجاد انگیزه و احساس و تعالی بخشیدن به آرمان و ایمان است.

به این ترتیب می‌توان گفت مکانیسم اجابت دعا به دو عامل اساسی بستگی دارد:

۱- تشنگی، عشق، احتیاج و آرمان.

۲- تلاش و تکاپو برای برداشتن موانع و رسیدن به مقصود.

این حقیقت را عارفان ما به خوبی درک کرده‌اند، بخصوص مولوی که در تمثیل: تشنه و دیواری که مانع دسترسی او به آب بود، این دو حالت را به زیبایی مطرح کرده است؛ چشمه آب، نماد حیات و زندگی پاک و ارزش‌های خدائی است که تشنه را به سوی خود دعوت می‌کند؛ و دیوار، نماد حجاب‌های منیّت است که بین ما و آب حیات حائل شده است.

بر لب جو بود دیواری بلند	بر سر دیوار تشنه دردمند
مانعش از آب آن دیوار بود	از پی آب او چو ماهی زار بود ^(۲)

سرانجام شدت تشنگی آن چنان او را بی‌تاب می‌کند که بی‌اختیار دست به کندن خشت‌های روی دیوار می‌برد تا هم از صدای برخورد خشت با آب، که برای تشنه از هر موسیقی دل‌ربا تر است، لذت ببرد و هم پله پله به ملاقات آب نزدیک‌تر شود.

سجده آمد کندن خشت لُزب	موجب قربی که "واسجد واقترب"
تا که این دیوار عالی گردن است	مانع این سر فرود آوردن است
سجده نتوان کرد بر آب حیات	تا نیابی زین تن خاکی نجات
بر سر دیوار هرکاو تشنه تر	زودتر بر می‌کند خشت و مَدَر
هرکه عاشق تر بود بر بانگ آب	او کلوخ سخت تر کند از حجاب ^(۱)

در واقع اجابت امری درونی است، نه بیرونی، قلبی است، نه قولی. عملی است، نه لفظی. اجابت دعا فعل و انفعالی وابسته به دل آدمی و عملکرد اوست که تحت تأثیر جاذبه و کشش رحمت ربوبی حاصل می‌شود. در حالیکه در عرف و عادت، با فراموش کردن خود، اجابت دعا به خدا سپرده می‌شود.

به همین دلیل نیز که اجابت، نیازمند تشنگی، توأم با تحرك بنده است، مولوی در تمثیلی دیگر بر ضرورت تکیه بر این دو عامل برای جلب رحمت الهی و تکمیل اجابت تأکید کرده است:

آب کم جو تشنگی آور به دست	تا بجوشد آیت از بالا و پست
تا نزاید طفلک نازک گلو	گی روان گردد زپستان شیراو
رو بدین بالا و پستی ها بدو	تا شوی تشنه حرارت را گرو

زرع جان را کس جواهر مُضمر است
تا "سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ" آید خُطاب

ابر رحمت پُر زآبِ کوثر است
تشنه باش "اللَّهُ أَعْلَمُ بِالصَّوَابِ" (۳)

اجابت دعاهاى سياسى اجتماعى

ما از آنجائی که از نظر تاریخی و فرهنگی با فردیت و تکروی خو گرفته‌ایم، در دعایمان نیز چنین عادتی مشهود است. ما عمدتاً برای خودمان و حداکثر برای خانواده و خویشانمان دعا می‌کنیم و کمتر به فکر نجات هموطنان از استبداد و ظلم و بی‌عدالتی هستیم. حتی وقتی هم که به اضطرار و استغاثه می‌رسیم و دعای "امن یجیب المضطر اذا دعاه..." را می‌خوانیم، ناخودآگاه فقط نیمی از این آیه را، که جنبه فردی دارد، به زبان می‌آوریم و فراموش می‌کنیم دنباله آیه اصلاً دعای يك ملت برای نجات از ظلم و بی‌عدالتی مستبدان و حاکم شدن مردم بر سرنوشت خویش است!! نگاه کنید به تمام آیه:

أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ إِنَّ اللَّهَ ۖ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

آیا آن که درمانده را، وقتی او را بخواند، اجابت می‌کند و گزند را از او بر می‌دارد و شما را جانشینان (نظام قبلی) در زمین (کشور) می‌سازد (نادیده می‌گیرد و به قدرت‌های دیگر پناه می‌برد؟)
سوره نحل آیه ۶۲

اجابت دعاهاى اجتماعى و ملی نیز همچون دعاهاى فردى، نیازمند همان دو عامل: "تشنگی و تلاش" است. تا ملتى عمیقاً تشنه آزادی و عدالت و رهائی از ظلم نباشد و با تمام توان، صبر و مقاومت نکند، اجابتى صورت نمی‌گیرد.

نمونه و مثال عبرت آموزش در قرآن، دعای خالصانه موسی و هارون (علیهما السلام) برای نجات بنی‌اسرائیل از ظلم و ستم فرعونیان است که با ثروت و قدرت بی‌کرانشان ملتى را به بردگی و گمراهی کشانده بودند. خداوند دعای آن دو را اجابت کرد، اما مشروط بر آن که استقامت کنند و بی آنکه تحت تأثیر القانات نادانان قرار گیرند، استوار و پابرجا به راه خود ادامه دهند.

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

(خدا) گفت: دعای شما اجابت شد، پس استقامت کنید و راه نادانان را دنبال نکنید. یونس آیه ۸۹

جنبش سبز ملت ایران نیز در این شرایط خطیر تاریخی، که استبداد فرعونى همه آحاد ملت را زیر ولایت مطلقه خود قرار داده و اقلیتی طماع و تمامیت‌طلب هر سه قوای کشور را در ید نظامی، امنیتی و اطلاعاتی خود درآورده‌اند، چاره‌ای جز استقامت در اهداف قانونی و مسالمت‌آمیز ملت و احتراز از پیروی از راه و اندیشه به‌غایت مستبدانه ولایت مطلقه فقیه ندارد.

عبدالعلی بازرگان
چهارم شهریور ۱۳۸۹
۲۵ آگوست ۲۰۱۰

۱- بقره آیه ۱۸۶، نحل آیه ۶۲، غافر آیه ۶۰

۲- دفتر دوم ابیات ۱۱۹۷ تا ۱۲۲۰

۳- دفتر سوم ابیات ۳۲۱۴ تا ۳۲۲۱